

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده : جاوید
۰۴ جولای ۲۰۱۹

(خار مژگان)

دشمن، عشق است... من هم یار پیدا کرده ام! او زند، من رقصم... اما کار پیدا کرده ام!
بوی جان بشنیده ام از آن لبان پر ز نوش دارو از بهر دل بیمار پیدا کرده ام
بر نگیرم چشم اگر از قد موزونش، رواست: راحت جان، من در آن رفتار پیدا کرده ام
بوسه بر چشمش زنم، مژگان او بر لب خلد ای عجب، من گردنرگس خار پیدا کرده ام
گردنش را دست بردم، طره اش دستم گزید الحذر! در شاخ گل، من مار پیدا کرده ام
من به یک سر دادن از او بگذرم؟ شرمندگی ست! دل، دو صد جان داده تا دلداری پیدا کرده ام
یک سخن، بی مهر دلبر نیست در آثار من دولت سرمد، از این آثار پیدا کرده ام
اشک من با خنده او می درخشد در غزل از کجا، این طبع گوهریار پیدا کرده ام؟

مسکو، نومبر ۱۹۴۰